



جلسه هفتم

ضوابط نیت

استاد: دکتر مصطفی ذوالفقارطلب
دستیار: روناک خالدیان

ضابطه اول: نیت رکن عمل است نه شرط آن

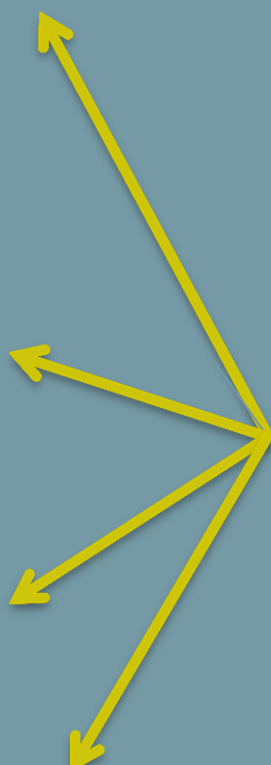
دیدگاه اول: اکثر آنان قایل به رکن بودن نیت هستند.
دلیل: چه آنکه نیت داخل عبادات است و هر آنچه که داخل عبادات باشد، رکن است، حال آنکه شرط پیش از عمل محسوب می شود.

دیدگاه دوم: ابو طیب و ابو صباغ قایل به آنند که نیت، شرط است نه رکن.
دلیل: چه آنکه اگر نیت رکن باشد، نیاز به نیت دیگری دارد.

دیدگاه سوم: رافعی و نووی قایل به تفصیل شده اند؛ به طوری که نیت در نماز، رکن؛ ولی در روزه، شرط محسوب می شود.

دیدگاه چهارم: آن دسته از اعمالی که صحت آن منوط به نیت باشد، پس نیت رکن محسوب می شود؛ ولی آن دسته از اعمالی که صحت آن منوط به نیت نباشد (مانند: مباحات و تروک (اجتناب از گناهان)) ، ولی به جا آوردن آن، موجب دستیابی به ثواب باشد بجا آوردن نیت شرط حصول ثواب است.

اختلاف فقها در رکن بودن یا شرط بودن نیت



نکته: بر اساس دیدگاه اکثر شافعیه نیت رکن است، ولی در یک مسأله، نیت به منزله شرط می باشد و آن اینکه اگر شخص پس از گزاردن نماز، در داشتن نیت یا طهارت شک کند، اعاده آن واجب می گردد؛ برخلاف شک در ارکان که به دلیل کثرت وجود شک در آن، اعاده واجب نمی گردد در این مسأله نیت به عنوان شرط محسوب نشده است.

ضابطه دوم: سوگند به لفظ عام، ولی به نیت تخصیص، موجب تخصیص می گردد، ولی سوگند به لفظ خاص و با نیت تعمیم، موجب تعمیم نمی گردد.

أ. مثال تأثیر نیت در تخصیص لفظ عام:

سوگند به اینکه با کسی صحبت نکند ولی قصد قلبی آن، شخص خاصی مثلا زید باشد، سوگند به همان مورد خاص تعلق می گیرد، سپس اگر با غیر زید سخن بگویند، نقض سوگند نکرده است.

ب. مثال عدم تأثیر نیت در تعمیم لفظ خاص:

سوگند خوردن در برابر منت نهادن کسی به او بر اینکه هرگز آبی متعلق به او ننوشد، سوگند فقط تعلق به آن مورد خاص (آب) دارد، و با نیت استفاده کردن موارد عامی مانند خوراک و پوشاک، این لفظ خاص، تعمیم پیدا نمی کند

ضابطه سوم: مقصود لفظ حمل بر نیت متکلم می شود؛ جز سوگند نزد قاضی یا داور که ملاک، اعتقاد قاضی یا داور است

مثال:

اگر شخصی حنفی علیه شخص شافعی، به نزد قاضی حنفی که قایل به اثبات شفعه جوار است، ادعای شفعه جوار کند، مدعی علیه شخص شافعی در این مسأله نباید بر اساس اعتقاد خویش به عدم جواز ادعای شفعه جوار، سوگند یاد کند؛ بلکه باید تابع اعتقاد قاضی و داور باشد؛ چون قاعده بر آن است که مجتهد و قاضی و امثال آن باید بر اساس اعتقاد خویش حکم کنند.

و عمل به این ضابطه در جایی است که مدعی در ادعای خویش صادق باشد؛ بنابراین اگر مدعی، ادعای دینی علیه مدعی علیه کند که قبلاً آن را به مدعی علیه ابراً کرده یا مدعی علیه آن را به او پرداخت کرده است ولی مدعی علیه بینه ای برای اثبات آن نداشته باشد، در این حالت جایز است که مدعی علیه از روی توریه در ظاهر لفظ، اصل دین را انکار کند؛ ولی نیت آن، انکار ادعای مدعی مبنی بر عدم پرداخت دین با عدم ابرای آن باشد تا از این قضیه رهایی یابد؛ چه آنکه، مقصود لفظ، حمل بر نیت متکلم می شود.

ضابطه چهارم: نفل جایگزین قرض نمی گردد، مگر در مواردی

استثنائات این ضابطه:

ا. اگر شخصی به هنگام وضو یا غسل از شستن بخشی از بدن خویش غافل بماند؛ به طوری که آن را نشسته باشد، در شستن بار دوم یا سوم آن عضو از روی استحباب، که جای نشسته آن عضو را مورد پوشش قرار می دهد (آب به آن می رسد) کفایت می کند؛ ولی اگر شستن بار دوم یا سوم آن بخش از روی استحباب نباشد بلکه از روی تجدید وضو یا غسل باشد، شستن بخش بجا مانده با آن کفایت نمی کند

ب. شخص نماز گزار در هنگام قیام، به یاد می آورد که یکی از سجده هارا فراموش کرده است؛ ولی پس از یکی از سجده ها و قبل از رفتن به قیام، به نیت استراحت، نشسته است (با توجه به اینکه قعود یعنی نشستن برای استراحت پس از دو سجده و قبل از قیام، مستحب است نه واجب)، پس شخص نماز گزار برای جبران سجده فراموش شده اصولاً اول باید قعود واجب بین دو سجده را انجام دهد و سپس سجده فراموش شده را بجا بیاورد؛ ولی در این مورد چون وی قبلاً به نیت قعود مستحب، نشسته است، جای قعود واجب را می گیرد، بنابراین وی به طور مستقیم سجده فراموش شده را بدون انجام قعود واجب انجام می دهد.

ج. شخص نماز گزار به گمان آنکه تشهد اول را می خواند، در تشهد آخر می نشیند سپس، به یاد می آورد که در حقیقت او برای تشهد آخر نشسته است، این نیت (گمان او در تشهد اول) جایگزین واجب (تشهد آخر) می گردد قابل ذکر است که نشستن برای تشهد اول سنت و برای تشهد پایانی واجب است.

د. مسأله: با ترک نماز جماعت به دلیل عذری - به شرط حضور او در صورت عدم وجود عذر - ثواب نماز جماعت حاصل می شود.